

## اثبات حجیت سنت اهل بیت علیهم السلام براساس حدیث ثقلین

فاطمه واحدی<sup>۱</sup>

### چکیده

از بدو بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو چیز مهم در کنار یکدیگر بودند: قرآن کتاب خداوند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله. یکی، کتابی نظری و مملو از دستورات مهم و حیات بخش و دیگری الگویی عملی که مفاد قرآن را به صورت عینی و عملی نشان می داد. این دو در کنار هم بهترین وسیله برای هدایت بشر بودند، ولی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این امر کجا محقق می شود و به دست چه کسی سپرده می شود. حضرت محمد صلی الله علیه و آله پاسخ این سؤال را در مکان های مختلف و با بیانات گوناگون مطرح کرد. یکی از آنها حدیث ثقلین است که در آن به همراهی قرآن و عترت خودش تا روز قیامت اشاره می کند. تحقیق حاضر با هدف ارتقای سطح علمی نگارنده و محققین درصدد اثبات حجیت سنت اهل بیت علیهم السلام براساس حدیث شریف هست. نتایج پژوهش پس از بررسی سندی و متنی روایت نزد شیعه و اهل سنت و بررسی دلالت آن، ثابت می کند همان گونه که قرآن، عصمت، علم و وجوب اطاعت دارد عترت پیامبر صلی الله علیه و آله هم معصوم، عالم و واجب الاطاعه هستند و این همان حجیت سنت اهل بیت علیهم السلام است.

**واژگان کلیدی:** حدیث ثقلین، حجیت، سنت، اهل بیت علیهم السلام.

### ۱. مقدمه

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان از همان ابتدای بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله راهنما و هدایتگر مسلمین بوده است. بر عظمت این کتاب نورانی بسیار تأکید شده تا جایی که خداوند خودش حفظ این

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، قم، ایران.

کتاب از تحریف را ضمانت کرده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز در طول زندگی خود در مسیر قرآن تلاش بسیاری کرد و خود نیز عامل کامل به دستورات این کتاب بود تا جایی که بارها و بارها از این کتاب و دستوراتش سخن گفته است، ولی باید همواره کسی باشد تا معارف و دستورات این کتاب را به صورت عملی به انسان نشان دهد تا در کنار کتابی نظری، الگویی عملی نیز وجود داشته باشد، پس لازم و ضروری است که پیامبر اسلام ﷺ فرد یا افرادی را پس از خود نیز برای الگوبرداری مشخص کند که در غیر این صورت، امکان گمراهی وجود خواهد داشت؛ زیرا در قرآن آیات محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و امثال اینها کنار هم قرار گرفته است که اگر الگویی عملی از جنس خود انسان نباشد امکان انحراف به جای هدایت وجود دارد. بر همین اساس، حضرت محمد ﷺ در مکان ها و موارد متعددی از جمله غدیر خم، سخن از همراهی قرآن با عترت و اهل بیت ﷺ خودش به میان آورد. این حدیث از نظر کمی و کیفی نقل شده است. این حدیث که به حدیث ثقلین مشهور شده، هم در میان اهل سنت و هم در میان شیعه به تواتر رسیده است. حدیث ثقلین جدایی بین قرآن و اهل بیت ﷺ پیغمبر ﷺ را تفکیک ناپذیر دانسته و این همراهی را تا روز قیامت پابرجا می داند.

شیعه و اهل تسنن این مورد را تأیید می کنند که این حدیث بیانگر قرین و همراه بودن قرآن و عترت تا روز قیامت هستند و پیروی از عترت و اهل بیت پیامبر ﷺ را واجب و حق آنها را مقدم بر حق دیگران می دانند. تفاوت در حجیت و عدم حجیت سنت اهل بیت ﷺ در تفاوت معنای اهل بیت ﷺ میان شیعه و اهل تسنن است. برخی از عالمان اهل سنت، حدیث ثقلین را در اثبات حجیت سنت اهل بیت ﷺ قبول ندارند و آن به دلیل ایراد شبهه‌هایی مانند نبودن این حدیث در صحیح بخاری و یا تعارض این حدیث با حدیث اصحابی کالنجوم و امثال اینهاست. در مقاله حاضر به علت اختصار در مطلب و اینکه هدف نگارنده، بررسی حدیث ثقلین نزد شیعه است، سعی شده برحسب ضرورت ارتقای سطح علمی محقق و خوانندگان، برخی مفاهیم مرتبط بررسی و سپس سند حدیث ثقلین و اثبات تواتر در میان شیعه و اهل تسنن و دلالت

حدیث ثقلین براساس آنچه شیعه استنباط می‌کند تبیین شود. گاهی هم نظرات علمای اهل تسنن برای تأیید مطلب آورده شده است.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۱-۲. ثقلین

ثقل در لسان العرب به معنای بار سنگین آمده است. ذیل حدیث ثقلین در این کتاب، علت نام‌گذاری کتاب الله و عترت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از قول ثعلب، گران سنگ بودن و نگهداری این دو و عمل کردن براساس دستورات این دو چیز با ارزش بیان شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۸۵/۱۱) ثقل به معنای شیء ارزشمندی است که نگهداری آن سنگین است. علت نام‌گذاری این دو به ثقلین به دلیل ارزش و عظمت شأن آنهاست (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۸۸/۱۱). واژه ثقلین، تشبیه ثقل است و کلمه ثقل در لغت به معنای متاعی است که مسافر با خود حمل می‌کند. عده‌ای از محدثان و لغویان این کلمه را ثقلین یعنی، به کسر ثاء و سکون قاف قرائت کرده‌اند. در این صورت، تشبیه ثقل خواهد بود و ثقل در لغت به معنای بار سنگین و گنج آمده است، ولی به نظر می‌رسد کلمه ثقلین در این حدیث به فتح ثاء و قاف باشد (حسینی میلانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). بنابراین، آنچه در حدیث ثقلین از آن سخن به میان آمده است شیء با ارزش و قیمتی بوده که شاید بتوان گفت ارزش آن از نظرها پنهان است و با این فرموده پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آشکار می‌شود که این شیء با ارزش، همان کتاب الله و عترت است.

### ۲-۲. سنت

سنت از ریشه سنَّ به معنای روان شدن و جاری شدن شیء به آسانی است. در اصل از: «سَنَنْتُ المَاءَ عَلٰی وَجْهِهِ اسْتَهَّ سَنًّا؛ آب را روی صورتم ریختم و روان کردم» می‌آید. سنت مشتق شده از این ریشه به معنای سیره و روش است. سنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یعنی، سیره و عملکرد و روش زندگی ایشان (القزوینی الرازی، ۱۳۹۹، ۶۰/۳). ابن منظور هم در لسان العرب، سنه را به معنای سیره و روش آورده است؛ خواه سیره حسنه باشد خواه سیره سیئه. سنه: طریقه، رویه: «و ان یُعَوِّدُوا

فَقَدْ مَضَّتْ سُنَّتُ الْاُولَیْنِ؛ اگر به عداوت اسلام و رسول خدا ﷺ برگردند» (انفال: ۳۸). طبرسی می‌گوید: «سنت و طریقه و سیره نظیر هم هستند. دلیل اینکه مراد از سنت در آیه، طریقه خداست آیات ذیل است که صریحاً به خدا نسبت داده شده است مثل: «سنه الله فی الذین خلوا من قبل» (احزاب: ۳۸)؛ «سنت الله التي قد خلت فی عباده و خسر هنالك الکافرون» (غافر: ۸۵). (قرشی بنابی، بی تا، ۳/۳۴۲)

### ۳. بررسی سندی حدیث ثقلین

حدیث ثقلین نزدیک به تواتر و بلکه متواتر است. (نیسی، بی تا، ص ۱۲۹) حدیث ثقلین در کتب روایی و تفسیری شیعه به وضوح دیده می‌شود و همه، صحت آن را تأیید می‌کنند، ولی در میان اهل تسنن اگر حدیثی بخواهد معتبر باشد باید در کتب صحیح مسلم، سنن دارمی، خصائص النسائی، سنن ابی داوود، سنن ابن ماجه، مسند احمد، مستدرک الحاکم، ذخائر الطبری، حلیه الاولیا، کنز العمال و امثالهم ذکر شده باشد. حدیث ثقلین در میان اهل سنت ۳۹ حدیث و در میان شیعه ۸۲ مورد نقل شده است (نیسی، بی تا، ص ۱۳۰). حدیث معروف و مشهور ثقلین، توسط راویان بسیاری نقل شده است. در میان اصحاب رسول خدا ﷺ بیش از سی نفر حدیث ثقلین را از آن حضرت نقل کرده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: امیر المؤمنین علیؑ، امام حسن مجتبی سبط اکبرؑ، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، جابر بن عبدالله انصاری، ابوالهیشم بن تیهان، حذیفه بن الیمان، ابوشرحه یا ابوسریحه حذیفه بن اُسَید، ابو سعید خدری، خزیمه بن ثابت، زید بن ثابت، عبدالرحمن بن عوف، طلحه، ابو هریره، سعد بن ابی وقاص، ابویوب انصاری، عمرو بن عاص، فاطمه زهراؑ، ام سلمه و ام هانی (حسینی میلانی، ۱۳۸۸، ص ۳۱).

در طول قرون متمادی، صدها نفر از مشاهیر، مفسران، محدثان، مورخان و راوی شناسان اهل تسنن، حدیث ثقلین را به اسناد خود از اصحاب رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند که نام پنجاه نفر از آنها عبارتند از: سعید بن مسروق ثوری، سلیمان بن مهران اعمش، محمد بن اسحاق، محمد بن سعد - نویسنده الطبقات الکبری -، ابوبکر ابن ابی شیبه - نویسنده المصنّف -،

ابن راهویه - نویسنده المسند -، احمد بن حنبل (پیشوای حنابله) نگارنده المسند، عبد بن حمید نگارنده المسند، مسلم بن حجاج قشیری - نگارنده الصحيح -، ابن ماجه قزوینی - نگارنده سنن المصطفی یکی از صحاح شش گانه، ابوداود سجستانی - نگارنده السنن، یکی از صحاح شش گانه -، ترمذی - نگارنده الصحيح -، ابن ابی عاصم - نگارنده کتاب السنه -، ابوبکر بزار - نگارنده المسند -، نسائی - نگارنده السنن -، ابویعلی موصلی - نگارنده المسند -، محمد بن جریر طبری - نویسنده تاریخ و تفسیر ابوالقاسم طبرانی، نویسنده المعجم الکبیر، المعجم الأوسط و المعجم الصغیر -، ابوالحسن دارقطنی بغدادی - پیشوای معروف -، حاکم نیشابوری - نگارنده المستدرک -، ابونعیم اصفهانی - نویسنده کتاب های معروف -، ابوبکر بیهقی - نگارنده السنن الکبری -، ابن عبد البر - نگارنده الاستیعاب -، خطیب بغدادی - نگارنده تاریخ بغداد -، بغوی - نویسنده مصابیح السنه -، رزین عبدی - نویسنده الجمع بین الصحاح الستة -، قاضی عیاض - نویسنده الشفاء -، ابن عساکر دمشقی - نویسنده تاریخ مدینه دمشق -، ابن اثیر جزری - نویسنده أسد الغابه -، فخر رازی - نویسنده التفسیر الکبیر -، ضیاء مقدسی - نویسنده المختاره -، ابوزکریا نووی - شارح صحیح مسلم -، ابو الحجاج مزی - نگارنده تهذیب الکمال -، شمس الدین ذهبی - نگارنده کتاب های معروف -، ابن کثیر دمشقی - نگارنده تفسیر و تاریخ -، نورالدین هیثمی - نگارنده مجمع الزوائد -، جلال الدین سیوطی - نگارنده کتاب های معروف -، شهاب الدین قسطلانی - شارح صحیح بخاری -، شمس الدین صالحی دمشقی - شاگرد جلال الدین سیوطی نویسنده سبل الهدی و الرشاد -، ابن حجر عسقلانی - نگارنده کتاب های معروف و معتبر نزد عامه -، شمس الدین ابن طولون دمشقی، شهاب الدین ابن حجر مکی - نویسنده الصواعق المحرقة -، متقی هندی - نگارنده کنز العمال -، ملاعلی قاری هروی - نویسنده مرقاه المفاتیح فی شرح مشکاه المصابیح -، عبدالرئوف مناوی - نویسنده فیض القدر فی شرح الجامع الصغیر -، حلبی - نویسنده السیره الحلبیه -، زینی دحلان - نگارنده السیره الدحلانیه -، منصور علی ناصف - نگارنده التاج الجامع للاصول -، شیخ یوسف نبهانی - نویسنده کتاب های متعدد -، مبارک پوری هندی - شارح صحیح ترمذی -.

اینها پنجاه تن از مشاهیر اهل تسنن بودند که در قرون مختلف و متمادی حدیث ثقلین را روایات کرده‌اند. این تعداد از حدود ۱۰۱ راویان این حدیث شریف و از بزرگان و مشاهیر آنها هستند. (نیسی، بی تا، ص ۳۲)

#### ۴. بررسی متنی حدیث ثقلین

##### ۴-۱. متن روایت در منابع اهل تسنن

در صحیح مسلم آمده است: «جمعی نزد زیدبن ارقم رفته و به او گفتند ما در تو خیر بسیاری دیده‌ایم، تو همراه پیامبر بوده‌ای، در غزوات شرکت کرده‌ای، روایتی از پیامبر ﷺ برایمان نقل کن. زید پس از بیان پیری و فراموشی خود حدیث زیر را نقل می‌کند: «روزی پیامبر خدا ﷺ در میان ما در محلی که آبی به نام حُم بود خطبه خواند و حمد خدا به جا آورد و موعظه کرد، سپس گفت، اما بعد ای مردم! من بشری هستم و نزدیک است رسول پروردگار بیاید و من او را اجابت کنم: «وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ: أَوَّلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَىٰ وَالتُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ، وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ فَحَثَّ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَرَعَبَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: وَ أَهْلُ بَيْتِي أَذَكَّرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذَكَّرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذَكَّرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي؛ من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم: اول آن دو، کتاب خداست که در آن هدایت و نور است، پس آن را بگیرید و تمسک جوئید و بر کتاب خدا تشویق و ترغیب نمود، سپس گفت: و اهل بیت من. به شما توصیه می‌کنم خدا را درباره اهل بیتم فراموش نکنید، به شما توصیه می‌کنم خدا را درباره اهل بیتم فراموش نکنید، به شما توصیه می‌کنم خدا را درباره اهل بیتم فراموش نکنید» (القشیری النیسابوری، بی تا، ۴/۱۸۷۳).

در روایت دیگری از جریر، همین مطلب با عبارت اضافه «كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَىٰ وَ التُّورُ، مَنْ اسْتَمْسَكَ بِهِ، وَأَخَذَ بِهِ، كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ، وَمَنْ أَخْطَأَهُ، ضَلَّ» بیان شده است (القشیری النیسابوری، بی تا، ۴/۱۸۷۴). در سنن ترمذی هم حدیث ثقلین به نقل از جابر بن عبدالله چنین بیان می‌شود: «قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فِي حَجَّتِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ وَهُوَ عَلَى نَاقَتِهِ الْقَصْوَاءِ يَخْطُبُ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا؛ كِتَابِ اللَّهِ، وَ عَثْرَتِي أَهْلَ

بیتتی؛ دیدم رسول خدا ﷺ در ایام حج، روز عرفه بر شتر مخصوص خودش سوار بود و خطبه می خواند، پس گوش کردم می گفت: ای مردم من در میان شما چیزی را به جا می گذارم که اگر آن را بگیریید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترت من اهل بیتم» (ترمذی، بی تا، ۵/۶۶۲). در همین کتاب، این حدیث از زبان ابوسعید و زیدبن ارقم این گونه نقل می شود: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ. وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَلَنْ يَنْفَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا؛ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فرمود: من در میان شما چیزی را به جا می گذارم که اگر به آن تمسک جویند هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد. یکی از آن دو که بزرگ تر از دیگری است، کتاب خداست که طنابی کشیده شده از آسمان به زمین است و عترت من اهل بیتم هستند. هرگز این دو از هم جدا نمی شوند تا سر حوض کوثر بر من وارد شوند، پس بنگرید چگونه در مورد آن دو رفتار می کنید» (ترمذی، بی تا، ۵/۶۶۳).

#### ۴-۲. متن روایت در منابع شیعه

کتاب کافی شیخ کلینی در ادامه روایتی که بیانگر فضایل امیرالمؤمنین علی عليه السلام است حدیث ثقلین را بیان می کند: «وَقَالَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَهْرَبِينَ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا- كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلُ بَيْتِي عِثْرَتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَقَدْ بَلَّغْتُ إِيَّاكُمْ سَتَرِدُونَ عَلَى الْحَوْضِ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَهْلِكُوا؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: من در میان شما دو امر را به جا می گذارم اگر آن را بگیریید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدای عزوجل و اهل بیت من عترتم. ای مردم بشنوید من ابلاغ کردم قطعاً شما به زودی بر من در حوض کوثر برمی گردید، پس از شما سؤال می کنم از آنچه در مورد این ثقلین انجام دادید. ثقلین کتاب خداوند و اهل بیت من است، پس بر آنها سبقت نگیرید که هلاک می شوید.» (الشیخ الكلینی، بی تا، ۱/۲۹۴)

در کتاب بحار الانوار هم حدیث شریف به روایت از مسند احمد بن حنبل بیان شده است. در یکی از روایت‌ها عبارت خلیفتین، بعد از ثقلین آمده است: «ومن ذلك ما رواه أيضا أحمد بن حنبل في مسنده بإسناده إلى زيد من ثابت قال: قال رسول الله إني تارك فيكم الثقلين خلیفتین: کتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الارض و عترتی أهل بیتی و إنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» (علامه مجلسی، بی تا، ۲۳/ ۱۰۷). کتاب کمال الدین و تمام النعمه نیز حدیث ثقلین را با عبارت خلیفتین، نقل کرده است: «النَّيْسَابُورِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا شَرِيكٌ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي عَرَبَةَ عَنْ زَيْدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ۱/ ۲۴۰).

#### ۵. بررسی مفهومی و دلایلی حدیث ثقلین

از حدیث ثقلین اموری ثابت می‌شود که عبارتند از: (نیسی، بی تا، ص ۱۳۱)

دلالت حدیث ثقلین بر عصمت اهل بیت علیهم‌السلام؛

- قرآن هیچ باطلی در آن راه ندارد؛

- اهل بیت علیهم‌السلام هم بر اساس صریح حدیث ثقلین همیشه همراه قرآن هستند، پس در وجود

اهل بیت علیهم‌السلام هیچ باطلی راه ندارد و این یعنی، عصمت آنها؛

- کوچک‌ترین نشانه‌ای از مخالفت با شریعت چه سهوی و چه عمدی، موجب عدم اقتران و

همراهی با قرآن می‌شود؛

- بر اساس بیان حدیث شریف، قرآن و عترت همیشه همراه هم هستند تا بر حوض کوثر وارد

شوند، پس هیچ خطایی از اهل بیت علیهم‌السلام که مخالف شریعت اسلام باشد، سر نمی‌زند و این

یعنی، عصمت آنها؛

لزوم تمسک به قرآن و عترت با هم مانع از گمراهی و ضلالت است نه یکی از آنها.



وجود عباراتی مانند: «ما ان تمسکتم بهما» یا «ولاتقدموهما فتهلكوا» و یا «ولاتقصروا عنهما فتهلكوا» در متن حدیث نشان می‌دهد که تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام با هم موجب دوری از گمراهی و ضلالت و تمسک به یکی از آنها به تنهایی موجب هلاکت است؛ یعنی این دو با هم، بیکره اسلام را تشکیل می‌دهند و حقیقت و تمامیت اسلام متشکل از هر دوی آنهاست و هر کدام به تنهایی اسلامی ناقص را ارائه خواهند داد.

### ۶. همراهی عترت با قرآن تا روز قیامت

تعبیر: «لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» بیان می‌کند که هیچ زمانی نیست که این دو جدای از هم باشند یا زمانی یکی از آنها باشد دیگری نباشد و این بیان کنایه از بقای این دو با هم تا روز قیامت است. در حدیث ثقلین، کلماتی مانند: «خذا، اخذتم»، «استمسکتکم، استمسکوا» آمده است. این واژگان دلالت بر امری دارند. کیفیت دلالت واژگانی مانند: «الاخذ»، «التمسک»، «الاعتصام» و مواردی از این قبیل بدین گونه است: چون این الفاظ دلالت بر وجوب تبعیت، پیروی و اطاعت مطلق و بدون قید و شرط می‌کنند ناگزیر مفاد حدیث به دلالت التزامی بیانگر امامت و خلافت خواهد بود؛ زیرا شکی نیست که بین اطاعت مطلق و امامت و خلافت، تلازم و همبستگی تام و غیر قابل انکار وجود دارد (حسینی میلانی، ۱۳۸۸، ص ۳۹). برای تثبیت آنچه بیان شد، می‌توان به بیانات شارحان حدیث ثقلین از بزرگان و مشاهیر اهل تسنن مراجعه کرد؛ یعنی افرادی مانند منّاوی در فیض القدر فی شرح جامع الصغیر، ملاعلی قاری در المرقاه فی شرح المشکاه و قاضی عیاض در نسیم الریاض و کتاب‌هایی مانند شرح المواهب اللدنیّه، السراج المنیر فی شرح الجامع الصغیر، الصواعق المحرقة، جواهر العقیدین و منابع دیگر. نگارندگان این آثار پس از شرح حدیث ثقلین تصریح کرده‌اند که براساس این حدیث، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مردم را به بهره بردن از هدایت‌های اهل بیت علیهم‌السلام، فراگیری از دانش و پیروی از آنها برانگیخت و به این امور دستور داد (حسینی میلانی، ۱۳۸۸، ص ۴۰).

در ادامه به دو سخن از مناوی و ابن‌الملک از مقاله بررسی حدیث ثقلین در خطبه غدیر و نقش آن در اثبات امامت اشاره می‌شود:

مُناوی در بیان و شرح: «إني تارك فيكم» و «تمسك» گفته است: «تلويح بل تصريح بأنهما كتوأمين خلفهما ووَصَى أُمَّته بحسن معاملتهما وإيثار حقهما على أنفسهما والاستمسك بهما». این تعبیر نه اشاره بلکه تصریح دارد که کتاب و عترت هر دو مانند دوقلوهایی هستند که رسول خدا ﷺ آنها را در بین امت باقی گذاشته و به امت توصیه کرده است تا به نیکی با آن دو سلوک نمایند و حق آن دو را بر خودشان مقدم کرده و در امور دینشان به آن دو تمسک جویند. سخن ابن‌الملک که در آن کلمه و واژه تمسک را تشریح کرده است، خواندنی است. او در توضیح و بیان مفهوم این کلمه چنین گفته است: «التمسك بالكتاب العمل بمافيهِ وهو الإِتمار بأوامر الله والانتهاؤ بنواهيهِ. و معنى التمسك بالعترة محبتهم والاهتداء بهداهم و سيرتهم». تمسك به كتاب و عمل كردن به آن يعنى، پذيرش دستورات و ترك نواهي الهى و معنای تمسك به عترت، محبت آنها و هدايت يافتن به وسيله سيره و روش آنهاست.

امام خمینی رحمته الله عليه نیز در شرح حدیث ثقلین می‌فرماید: «شاید جمله: «لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض» اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس رسول الله ﷺ هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک، مهجوریت دیگری است تا آن‌گاه که این دو مهجور بر رسول خدا ﷺ در حوض وارد شوند. آیا این حوض، مقام اتصال کثرت به وحدت است و اضمحلال قطرات در دریاست یا چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی ندارد. باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم صلی الله علیه و آله گذشته بر امت مسلمان، بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است». (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۹)

## ۷. نتیجه‌گیری

حدیث ثقلین، روایتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را در مکان‌های مختلف با بیانات مختلف مطرح کرده است. تفاوت در کلمات حدیث بیانگر بخشی از رابطه قرآن و عترت هستند و حدیث

ثقلین، تواتر لفظی و معنوی نزد همه مسلمانان دارد. براساس حدیث ثقلین، همه مسلمانان معتقدند که اطاعت از اهل بیت علیهم السلام و محبت به آنها واجب است، ولی اختلاف در مصداق اهل بیت است. براساس حدیث شریف، قرآن و اهل بیت، دو شیء جدایی ناپذیر هستند و این همراهی تا روز قیامت ادامه دارد. همان‌گونه که قرآن، عصمت دارد، اهل بیت علیهم السلام نیز معصوم هستند. همان‌گونه که پیروی از دستورات قرآن واجب است پیروی از دستورات عترت پیامبر صلی الله علیه و آله هم واجب است. این همان اثبات حجیت سنت اهل بیت علیهم السلام است.

### فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالصادر.
۲. ابو عیسی الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک (بی تا). سنن الترمذی. محقق: احمد محمد شاکر، محمد فؤاد عبدالباقی، ابراهیم عطوه عوض المدرس فی الازهر الشریف. مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی.
۳. ابوالحسن القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج (بی تا). المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل الی رسول الله صلی الله علیه و آله. محقق: محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابوالحسن القزوی فی الرازی، احمد بن فارس بن زکریا (۱۳۹۹). معجم مقاییس اللغه. محقق: عبدالسلام محمد هارون. بی جا: دارالفکر.
۵. حسینی میلانی، علی (۱۳۸۸). نگاهی به حدیث ثقلین، ترجمه بخش «حدیث الثقلین» از کتاب «محاضرات فی الاعتقادات». قم: حقایق.
۶. شیخ صدوق (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمه. محقق: غفاری، علی اکبر. تهران: اسلامیه.
۷. شیخ کلینی (بی تا). الکافی. محقق: غفاری، علی اکبر، و آخوندی، محمد. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. علامه مجلسی (بی تا). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث.
۹. قرشی بنابی، علی اکبر (بی تا). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲). نگرشی موضوعی بروصیت نامه سیاسی- الهی امام خمینی رحمته الله علیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۱. نیسی، مجید (بی تا). دروس فی اصول الفقه المقارن تلخیص (الاصول العامه للفقه المقارن) للعلامه السید محمد تقی الحکیم. قم: جامعه المصطفی العالمیه.



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني